٦

فصلی از مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی

سیستان از نظر باستان شناسی

نگارش

حبیب‌الله صمدی

موزه دار موزه ایران باستان



۱۳۳۴

چاپخانه بانک ملی ایران

۶ - سیستان از نظر باستانشناسی

نگارش

حبیب‌الله صمدی

موزه دار موزه ایران باستان

سیستان از نظر باستانشناسی

دراوایل آبانماه ۱۳۳۳ دانشمند معظم استاد پور داود که عمر خود را در راه تحقیقات مربوط به ادبیات پیش از اسلام مصروف نموده اند قصد خود را مبنی بر مسافرت علمی بسیستان جهت انجام پارهٔ تحقیقات تاریخی باداره کل باستانشناسی اعلام ضمناً اظهار اشتیاق فرمودند که اداره کل باستانشناسی هم یکی از کارکنان فنی خودرا دراین مسافرت علمی همراه معظم‌له اعزام نماید اداره نامبرده نظر آن دانشمند محترم را حسن استقبال پیشنهاد مسافرت مزبور را بنام اینجانب بوزارت فرهنگ نمودند این مسافرت کوتاه که بیش از دو هفته بطول نیانجامید ازنظر علمی بی‌نهایت جهت استاد پور داود مفید و رضایت بخش واقع و نتیجه مشاهدات و تحقیقات علمی خودرا در یک جلسه سخن رانی که از طرف انجمن ایرانشناسی در تاریخ ۸ آذرماه ۱۳۳۳ ترتیب داده شده بود درتالار فرهنگ بیان فرمودند ازآنجا که نویسنده نیز حسب الوظیفه میبایست گزارش تحقیقات این مسافرت‌را از لحاظ باستانشناسی باطلاع علاقه‌مندان برساند لذا بر حسب رویه و سیره همکاران باستانشناسی این مختصر را جهت نشر درمجلد سوم گزارشهای باستانشناسی مرقوم داشت امید است مقبول طبع دوستداران مطالعات مربوط به سوابق وآثار تاریخی کشور قرار گیرد .

در ازمنه گذشته همواره تمدن های بزرگ درکنار رودخانه های پرخیر و برکت تمرکز می‌یافته است بقسمی که میتوان گفت پیوسته یک ارتباط واقعی بین تمدن های اولیه ومسئله آب در زمینهای مساعد وجود داشته است وجود آثار تمدنهای وسیع باستانی دراطراف رودهای فرات وکارون و دجله وسیحون وجیحون و نیل و سند وگنگ و رود زردچین ناشی از همین ارتباط میباشد بنابرآنچه گذشت اطراف رودخانه هیرمند و دریاچه هامون نیز یکی ازنواحی باستانی جهان است که بعنوان مهد تمدن شناخته شده است .

در ادوار گذشته نیل و دسترسی باین ولایت شرقی ایران چندان سهل و ساده نبود زیرا این سرزمین پر اهمیت را درگذشته وحال اوقیانوسی از ریگ روان

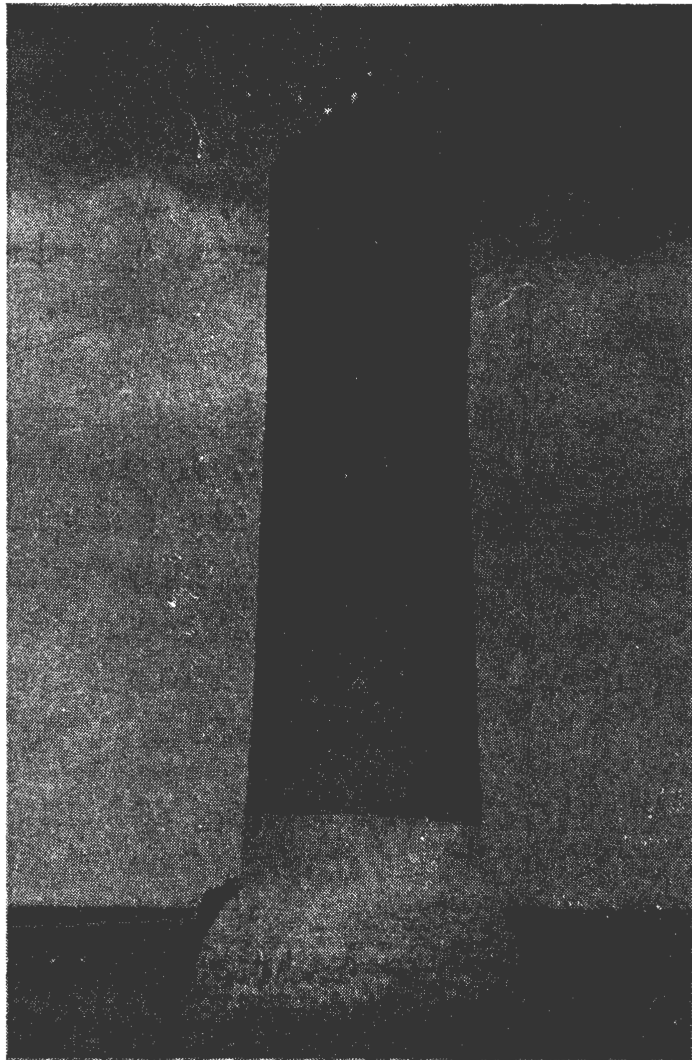
محصور نموده و بعلاوه برای رسیدن بدین سرزمین باید ازصحاری و دشتهای موحش و کویری ایران گذشت ازقراریکه شهرت دارد وعموم مردم میگویند بفرمان نادرشاه افشار شهریار بزرگ وتوانای ایران برای راهنمائی قوافل وتسهیل امر اردوکشی اغلب درمیان این ریگهای روان منارههائی عظیم ازآجر وگچ وآهک ساخته اند که امروز بنام میلهای نادری مشهور است اما از سبک بنا برمیآید که تاریخ این میلها ارتباط بدوره سلجوقی داشته باشد یکی ازاین مناره های عظیم دربین ریگزارهای مخوف کرمان وبلوچستان (ش ۱) خود نمائی مینماید پیبندی و تعمیرات این منار عظیم که ۳۰ فرسخ آب وآبادی دراطراف آن وجود ندارد وبواقع تنها وسیله راهنمائی وجلوگیری ازسرگردانی وسائط نقلیه و مسافران وکاروانان است درچند سال پیش بجدیت اداره فرهنگ کرمان طبق نظر اداره کل باستانشناسی انجام گرفت .

راجع بگذشته پرافتخار سرزمین سیستان بزرگترین سند تاریخی ومذهبی که دردست هست مجموعه سرودهای زردشت پیامبر ایرانی است که از فحوای آن برمیآید که پیامبر ایران پس‌از آنکه درمهد اولیه خود ـ آذربایجان نشو و نما یافته است بسیستان رهسپار گردید و شهریار این سامان جهان پهلوان گرشاسب آنطوری که باید قدر این فروغ تابناک‌را شناخته است وبهمین جهت درچندین جای این سرود ها ازپهلوان نامی وبزرگوار ایران به نیکی نام برده است .

بنا بگفته شاعر بزرگ ملی ما حکیم ابوالقاسم فردوسی سرزمین سیستان مرکز جهان پهلوانان نامی مانند گرشاسب وسام ونریمان و زال و رستم معرفی گردیده است .

صاحب تاریخ سیستان بنیان‌گذار این شهرستان را گرشاسب دانسته درخصوص وجه‌تسمیه‌آن به سیستان داستانی بدین‌مضمون نقل‌میکند که روزی ضحاک افراط در باده‌گساری نموده امر داد که شبستان (زنان حرم) را جهت او گرد آورند گرشاسب برآشفت و گفت اینجا شبستان وجود ندارد بلکه باید ضحاک بداند این سرزمین‌را سیوستان (سرزمین مردان) مینامند وی درخصوص شرایط آبادانی سیستان معتقد است که « بستن بندآب وبستن بند ریگ و بستن بند مفسدان هرگاه این سه بند اندر سیستان بسته باشد اندر همه عالم هیچ شهر بنعمت وخوشی سیستان نباشدی

(ص ۱۲۱ تاریخ سیستان به تصحیح مرحوم ملک‌الشعراء بهار چاپ طهران) واقع امر هم بطوری که درجای خود خواهیم گفت جز این نیست ،



(ش - ۱) منار نادری درمیان دریای ریگ روان راه کویری کرمان بزاهدان

صاحب نزهة‌القلوب (ص ۱٤۲) نیز میگوید . (که سیستان را جهان

پهلوان گرشاسب ساخته است و نام زرنگ بدان داده و برای جلوگیری از ریگ روان نزدیک بحیره زره‌بندی عظیم ساخته است بهمن به تجدید عمارت آن کوشید و آن را سکان خواند عوام سکستان نامیدند و عرب سجستان نامید و کم کم سیستان شد) .

معجم‌البلدان مینویسد که نام شهر آن زرنج بوده است این وجه اخیر بحقیقت بیشتر مقرون است و واقعاً باید دانست که در گذشته نام اصلی سیستان زرنگ و در کتیبه های معروف داریوش دربیستون و تخت جمشید ونقش رستم **زرنگا** ذکر شده‌است بعداً براثر مهاجرت اقوامی ازسکاها نام این سرزمین سیستان وسجستان و بتدریج سیستان گردید .

ارتفاع سیستان از کف دریا درحدود ۵۰۰ متر بیش نیست خاك آن از رسوبات رودخانه هیرمند ودریاچه هامون بوجود آمده وروی همین اصل حاصلخیزی آن مشهور است وحتی ازنظر محصول گندم آن را بامصر واکراین مقایسه مینمایند دانشمند معظم استاد پورداود معتقد است که گندم‌محصول بومی این سرزمین‌میباشد .

مرکز اولیه سیستان تا یکصد سال پیش کوهه بوده است شهر زابل امروزی چندای قدمت ندارد درسال ۱۲۴۹ توسط پدر امیر فقید قائن که وی مانند فرزند خود شوکت‌الملك لقب داشت (نیای اعلای خاندان علم) بنیاد گردید و تا چندی پیش بنام نصرت‌آباد خوانده میشد (۱) .

سیستان همواره مرکز نهضت های ملی و مرکز رشد گویندگان پارسی بوده است در تائید این مقوله کافی است اشاره بقیام دلیرانه یعقوب لیث صفاری و اشعار قصیده محمدبن وصیف سراینده پارسی زبان درقرن سوم هجری بنماید .

این استان زرخیر درفتنه اخیر تیمورلنگ بدین جهت که این عنصرمهاجم خاطره خوشی ازمردان دلیر دراین حدود نداشت مورد نهب وغارت واقع گردید و مردم آن قتل عام شدند و بر اثر عملیات وحشیانه بیمورد سپاهیان او آثار حیات در این ناحیه وسیع و آباد محو و نابودگردید .

---

۱ - نقشه شهر جدید زابل و زاهدان از سرتیپ عبدالرزاق خان مهندس بغایری میباشد .

رود هیرمند که ازجبال هندوکش سرچشمه میگیرد بیش‌از ٤٠ کیلومتر طول خاك سیستان را میپیماید و معمولاً برای آنکه سطح آب یکی دومتر بالاآمده اراضی را مشروب نماید همه سال رعایا با ساختن چند سدگزی این منظور را عملی مینماید سپس شاه نهرها را جدا نموده و اراضی را مشروب مینمایند طبق معمول هر سهمی (۱) دو تا چهار زارع برای دوماه از سال کمک میدهد این بیگاری را حشر مینامند بعلاوه هر سهمی سالی ۳۰ ریال مخارج آبیاری و حقوق کارکنان مربوط باینکار میپردازد ومأمور اجرای این وظائف معمولاً اداره کشاورزی سیستان میباشد با این وصف ملاحظه میشودکه در ایران سیستان تنها ناحیه ای است که بیگاری درآنجا بصورت قانون عملی میشود .

سیستان مردمی زحمتکش وقوی‌اندام وبلند قامت وتندرست دارد وگویا این خصال ازقدیم جبلی مردم آن بوده است چنانکه صاحب تاریخ سیستان‌مینویسد « مردمی که بر آن نشیند و خسبد تن درست باشد » این حقیقت از لحاظ علمی نیز چندی پیش ثابت گردید چنانکه در تحقیقات هیئت علمی دانشگاه پنسیلوانیا که سال ۱۳۲۸ بمنظور کشف آثار انسان قدیم ومطالعات نژاد شناسی ومردم‌شناسی در نیمه شمالی ایران صورت‌گرفت نه‌تنها از راه اندازه‌گیریهای نژادی معلوم شد که در سیستان نژادی زیبا و خوش قامت وجود دارد بلکه درضمن روشن شد که طایفه مخصوصی که در اطراف دریاچه هامون بشغل صیادی اشتغال دارند فکهائی پهن و قوی و گونه هائی برجسته داشته مشخصات دیگر آنها مشابه نژاد اولیه استرالیا و ژاپون است که بنام Aynou آینو خوانده میشوند این نژاد بتدریج منکوب نژاد زرد و مهاجران اروپائی شده‌اند نتیجه دیگری که هیئت علمی پنسیلوانیا از تفحصات علمی خودگرفت این اصل بودکه جماعت صیادان از عشایر بلوچ های ایرانی هستند و بزبانی تکلم مینمایند که ازلحاظ ریشه کاملاً بازبان بلوچ های دیگر ایران متفاوت است خوشبختانه دانشمند محترم استادپورداود که دراین مسافرت دراین رشته غور وامعان نظر خاصی نموده این داعیه‌را وارد

---

۱ ـ درسالهای اخیر کلیه اراضی زراعتی سیستان که خالصه بوده بین اهالی این دیار قسمت شده و مساحت یک سهم زمین که از رودخانه مشروب میگردد در حدود ٦٠٠٠ متر مربع است .

ندانسته زیرا با آزمایشهای عدیده که بعمل آمد جمله این صیادان بالهجه شیوای زابلی و پارسی سخن میگفتند .

در بین آثار تاریخی عدیده سیستان از همه مهمتر ویرانه‌های شهرسوخته وآثار کوه خواجه درخور اهمیت زیاد است اولی متعلق بدوره پیش ازتاریخ بوده دومی ارتباط با دوره اشکانی و ساسانی دارد و اینک بذکر توضیحاتی در باره این ویرانه ها میپردازد .

١ ـ ویرانه های شهر سوخته

تپه‌های شهر سوخته بوسعت تقریبی دو کیلومتر مربع میباشد این‌ویرانه‌ها که معلوم میدارد بقایای یک‌شهر بزرگ پیش‌از تاریخی است در ٥٠ متری‌مغرب راه شوسه زاهدان بزابل بوده بین آبادی تاسوکی و دوراهی زاهدان ومشهدواقع است دراطراف این تپه های عظیم که میرساند سابق براین برج و باروئی گرد آن وجود داشته است همانطوریکه ازنام آن هویداست بقایای خاکستر وذغال درمیان طبقات یافت میشود وبلاشک این امرمیرساند که این شهر براثرحریق‌ازبین‌رفته‌است.

دراطراف تپه و دامنه‌های آن براثر جریان آبهای باران مقادیر زیاد تیله شکسته که روی آن در ازمنه گذشته بارنگهای مشکی و خرمائی و قهوه‌ای و قرمز نقاشی نموده‌اند وجود دارد که باوجود فرصت کم موفق به‌جمع‌آوری نمونه های جالبی از آنها گردید . رنگ روی این سفالها بقدری ثابت است که در طی صدها قرن باآنکه همواره درمعرض باران وعوامل جوی بوده وبراثر بادهای ١٢٠ روزه سیستان که شن و ماسه نرم همراه دارد و پیوسته با این تیله شکسته ها در تصادم است کوچکترین تغیر ورنگ‌رفتگی دراین نقوش مشهود نیست. ازروی نمونه‌های جمع شده برمیاید که نقوش این سفال‌ها بیشتر شامل اشکال هندسی نقش حیوانی و پرنده و مخصوصاً بزکوهی و درخت وغیره است نمونه هائی از صور بز کوهی دیده شد که نقش حیوان را دور تا دور ظرف بکرات کشیده و حاشیه ای تزئینی از نقش حیوان روی ظرف ایجاد کرده اند .

نقوش هندسی وخطوط مضرس واشکال حیوانات کاملاً مشابه‌نمونه‌های

ظروف پیش‌از تاریخ تپه سیلک کاشان و تپه حصار دامغان و تپه گیان نهاوند و ویرانه های شوش است و بامقایسه با ظروف مزبور برمیآید که قدمت تمدن شهر سوخته سیستان بالغ بر ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح میباشد ـ غیر از تشابه نقوش مزبور با آثار پیش ازتاریخ شمال وغرب وجنوب ایران تشابه تمدن قدیم سیستان از روی دونمونه ظروف مرمری سبز و سفید و مرمری راه‌راه که از شهر سوخته کشف گردیده با ظروف تپه سیلک و تپه حصار بهتر محرز میگردد.

بطوریکه گفتیم خاك سیستان از رسوبات دریاچه و رودخانه بوجودآمده است در این سرزمین هیچگونه سنگ معمولی یا از جنس مرمر وجود ندارد یقیناً با ارتباط و دادوستدی که در دوره پیش‌از تاریخ بین اقوام وقبایل مختلف وجود داشته است(۱). این مرمرهارا ازخارج آورده و بعنوان ظروف تجملی مشابه باتمدن عصر جدید ترتپه سیلک و تپه حصار ساخته اند کشف ویرانه های پیش از تاریخ درسیستان فرضیه آقای دکتر گیرشمن رئیس هیئت علمی حفاری فرانسه درایران‌را بنحوی اطمینان بخش تائید مینماید دانشمند مزبور روی یک سلسله تحقیقات علمی وحفاریهای‌دنباله دار که بوسیله باستانشناسان‌مختلف ازنواحی نزدیک‌کویرمرکزی ایران مانند تپه حصار دامغان ـ ری ـ ساوه ـ سیرجان (باستثناء خراسان وسیستان) بعمل آمده این نتیجه‌را گرفته است که تمدن ایران بمراتب قدیمتر از بین‌النهرین بوده و بطور خلاصه تمدنهای باستانی از نواحی اطراف کویر ایران بطرف مغرب نفوذ و سرایت نموده است با کشف شهر سوخته یک حلقه دیگر از زنجیر تمدن نواحی کویری ایران پدیدار شد و یقین دارد با کاوش عمیق دراین ناحیه نتایج جالبتری عاید میگردد .

تمایز دیگری که در سفالهای پیش‌از تاریخ سیستان از روی نمونه های موجود مشهود است ارتباط این تمدن کهن با تمدن پیش‌از تاریخ بلوچستان وبهپور و پاکستان تا ناحیه موهنج دارو وآسیای مرکزی میباشد برای صحت وتائید این سه دلیل بارز داریم :

---

(۱) برای مقایسه و صحت این نظریه باید بقفسه مخصوص مقایسه در موزه ایرانباستان مراجعه‌کرد تا دانست چگونه در ادوارگذشته ارتباط تمدنی بین نواحی مختلف ایران برقرار بوده است .

اولاً نقوشی مشـابه سفالهای پیش از تاریخ نواحی ذکر شده بالا بدست آورده‌ایم ـ ثانیاً بسبک ظروف پیش‌از تاریخ بهپور و پاکستان و هندوستان وآسیای مرکزی نمونه‌هائی بدست آمده است که علاوه بر نقاشی سطح خارج ظرف داخل آن را نیز نقاشی نموده‌اند (این سبک کار در ظروف پیش‌از تاریخ مغرب سیستان سابقهٔ ندارد) ثالثاً بنـا باظهار دانشمند بلژیکی پرفسور واندنبرك درنقش خطوط بعضی نمونه ها کنگره ها و تضاریسی داردکه این شیوه کار نیز در بلوچستان و پاکستان وهندوستان و آسیای مرکزی دیده میشود (۱)

از مجموع آنچه توضیح دادیم برمیایدکه نه تنها سیستان مرتبط با تمدن نواحی باستانی واقع درمغرب سیستان بوده بلکه با تمدن پیش‌از تاریخ نواحی‌شرقی سیستان نیز هم آهنگی داشته است و درحقیقت این سرزمین واسطه تمدن قدیم شرق وغرب بوده است وبطوریکه اشاره نمود امید وانتظار میرود عملیات آینده اداره کل باستانشناسی دراین سرزمین بنتایج جالب‌تری منتهی گردد آنچه مسلم است حفاری علمی دراین منطقه خالی از اشکال نیست چه باید دانست محل فعلی ۱۵ فرسخ تا شهر فاصله دارد وخوشبختانه درنزدیکی شهر سوخته استراحتگاهی جهت کارگران راه ساخته اندو روزی اگر قرار شود حفاری بعمل آید میتوان از سـاختمان مزبور استفاده نمود با درنظر گرفتن بادهای ۱۲۰ روزه‌سیستان واشکالات دیگر اقلیمی این منطقه شاید بهترین موقع حفاری در آنجا اواسط آبان تا اواخر آذر باشد .

---

(۱) درسال ۱۹۱۷ و۱۹۳۳ میلادی پاره‌ای تحقیقات علمی توسط دانشمند امریکائی هانری فیلد H . Field و دانشمند شوروی اوژن‌پرستف E . Prostov درترکستان مخصوصاً درسرزمین های ازبکستان قزاقستان تاجیکستان و ترکمنستان صورت‌گرفته‌که نتایج آنها را دانشمندان بصورت جداگانه نشر داده اند

(Archéological Investigations - In central - Asia . 1917 - 1937)
من‌جمله سفالهای نقاشی شده‌ای درتپه های آق تپه نزدیک عشق‌آباد وکپت‌داق Kopst - Dagh پدیدار گردیده بعین مـانند نمونه هـای سفال ما قبل تاریخ سیستان است .

۲ - آثار کوه خواجه

در میان دریاچه هامون کوهی سیاه فام از جنس بازالت Basalt وجود دارد که منظره آن از دور مشابه ذوذنقه‌ای میباشد (ش ۲) دانشمند باستان شناس



(ش - ۲) دورنمای کوه خواجه از دوفرسخی حاشیه سیاه زیر کوه نی‌زار های دریاچه هامون میباشد

فقید پرفسور هرتسفلد این تپه‌را بشکل میزی تشبیه نموده است موقعیت کوه مزبور بنحویست که ازسراسر دشت وسیع سیستان همواره مرئی است پیدایش کوهی منحصر بفرد در میان دشت وسیعی که بندرت قطعه‌ای سنگ میتوان یافت بخصوص که دورتادور آن ازآب احاطه شده و مشرف برتمام‌خاك این‌منطقه‌است موجب گردیده است که در ادوار گذشته نیز مطمح نظر قرار گیرد وچون دریاچه هامون در اوستا دریاچه‌ای مقدس شمرده شده است این کوه هم جنبه تقدس پیدا کرده است وآنرا در اوستا بنام اوشیدا خوانده اند وبطوریکه ذکر خواهیم نمود درمرتفع‌ترین نقطه

آن آتشگاه مقدس و یا پرستش گاهی بنیان نموده‌اند ـ دسترسی بدین کوه چندان سهل وساده نیست زیرا بطوریکه گفتیم باید ازمیان دریاچه وسیعی عبور نمود البته مقدار آب دریاچه هامون بستگی بفصول سال دارد معمولاً دربهار بیشتر از مواقع دیگر این دریاچه آب دارد هرقدر روبه تابستان میگذارد از مقدار آب آن کاسته میشود و در پائیز بحداقل ممکنه میرسد با وصف این هیچگاه اطراف این کوه بی‌آب نمیشود برای عبور از دریاچه تنها وسیله محلی یک نوع قایق های زمخت و خشن است که آن را از برگ و شاخه نی‌وزگند میسازند (ش ۳) چون سطح دریاچه مواقع



(ش ـ ۳) توتین یا قایق های محلی‌که در دریاچه هامون و روی رودخانه هیرمند از آن برای عبور مسافر و بار استفاده میشود

کم آبی مستور ازاین گیاه است راه مخصوصی‌برای گذشتن این قایق که در محل بنام « توتین » موسوم است تعبیه کرده‌اند . گاوهای سیستانی که ازنژاد مخصوصی است وکاملاً شنا را میدانند درون این نیزار ها که مملو ازآب است روزها بچرا

مشغول میباشند و شب هنگام روی عادتی که پیدا کرده اند بساحل برمیگردند بسیاری ازمواقع هست که این گاو ها باید از مر کز عمیقی رد شوند چون بخوبی شنا مینمایند بسهولت ازاین موانع رد میشوند وچه بسا چوپان ها دم حیوان‌را گرفته و بدون کوچکترین تلاشی از اعماق دریاچه و رودخانه میگذرند (در سیستان گذشته از باد ۱۲۰ روزه بادی است بنام بادگاو کش که در زمستان میوزد وجه تسمیه این باد بدین جهت است که اغلب در مواقع وزش باد بواسطه برودت زیاد سطح آب را منجمد مینماید و گاو هائی که درمسیر آن واقع میشوند هلاك میگردند) .

بطوریکه معروف است عمق دریاچه هامون درمواقع پرآبی ازچهار نیزه توتین (چوب بلندی است که با آن توتین‌را هدایت مینمایند) تجاوز نمیکند . طبق تحقیقات دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد درمحل بآثار کوه خواجه گویا سرای حضرت ابراهیم نیز میگویند امـا آنچه در محل استفسار شد برای تائید این مطلب چیزی دستگیر نشد سراشیبی جنوبی کوه مزبور بنام قلعه رستم معروف است .



(ش - ٤) - ویرانه های دامنه جنوبی کوه خواجه

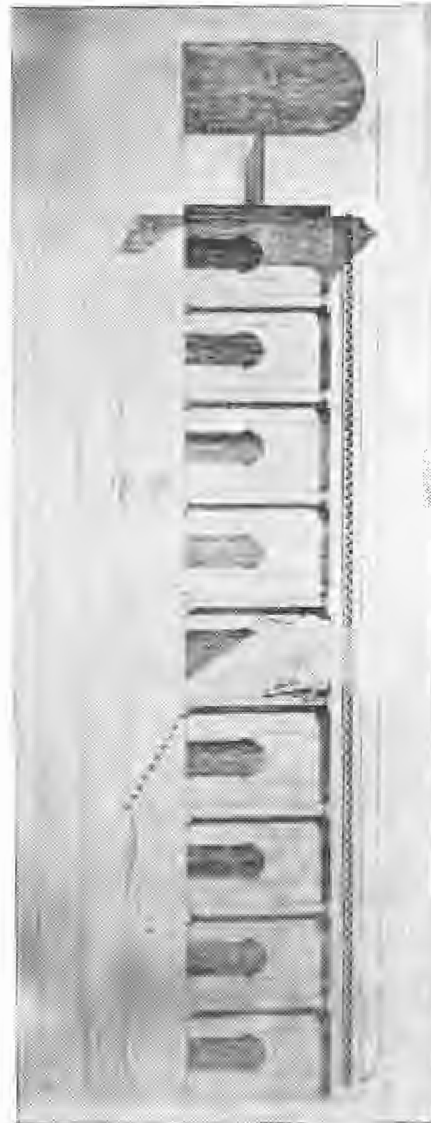
ویرانه های دامنه جنوبی کوه مشابه یك شهر قدیمی است که جنبه تدافعی آن ملحوظ نظر قرار داده شده است (ش ٤) .

درمحلی مرتفع آثار ویرانه های قصری عظیم دیده میشود که عمارات مختلف آن مشرف بر حیاط وسیعی است ـ چند نفر ازصیادان که همراه بودند اظهار مینمودند که دراین محل رستم تاب میخورده است مدخل جنوبی آن مشرف بریک نوع حیاط خلوت مانند است درسمت راست وچپ و بعبارت دیگر مشرق و غرب بنا ساختمانهائی شده است که بنا بر تحقیقات دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد درآغاز عصر اسلامی مورد استفاده قرار میگرفته است و دانشمد مزبور آنهارا بمثابه تالارهای بار خلفا دربناهای سامره دانسته است .

قرائن وامارات نشان میدهد که از این بنای بزرگ بطور کلی دو مرتبه استفاده سکونتی شده است درآغاز امر مرحوم پرفسور هرتسفلد تصور مینمود که این بنا مرتبط با دوره ساسانی باشد اما اکتشافات بعدی او مدلل ساخت که عصر اولیه ساختمان ارتباط با عصر پیش‌از ساسانی وقرن اول میلادی پیدا میکند و بار دوم درقرن سوم میلادی ازبنای مزبور استفاده شده است .

سراسر طول شمالی این قصر عظیم به دهلیزی طولانی منتهی میگردد که درسطح مرتفع‌تر آن آتشکده‌ای بنیان نموده‌اند نمای دالان طویل مزبور در دومین مرحله که مورد استفاده واقع گردیده تغییر پیدا نموده است وچون آثار معماری ساسانی در ایران نسبتاً زیاد بود مرحوم پرفسور هرتسفلد هم خود را مصروف مطالعات مرحله اولیه بنا که دوره اشکانی باشد نموده وحتی طرح بنارا با مشخصات موجود بصورت اولیه تهیه کرده (ش ٥ و ٦) بدیهی است آثار اشکانی در عراق و غرب ایران ومخصوصاً شوش کم وبیش دیده میشود اما تا این تاریخ در شمال و شرق ایران که اشکانیان خود اهل این منطقه هستند آثار ساختمانی پدیدار نشده است گو اینکه عدم کشف آثار را نباید حمل براین نمود که مشرق ایران فاقد این آثار باشد کما اینکه کشف آثار کوه خواجه دلیل بارزی بر وجود آثار مورد ذکر میباشد تزئینات بنای اولیه شامل نیمه ستون‌هائی است در دیوار مشابه کارهای یونان اما باید دانست که هیچگاه معماری کوه خواجه‌را نمیتوان با معماری یونان یک سبک قلمداد نمود بین این نیمه ستون ها یک ردیف طاق های منظم وجود دارد که دراطراف هلال‌طاق مرکزی آن بقایای‌تزئینات گچ بری شده از دوشخصیت باقی‌مانده

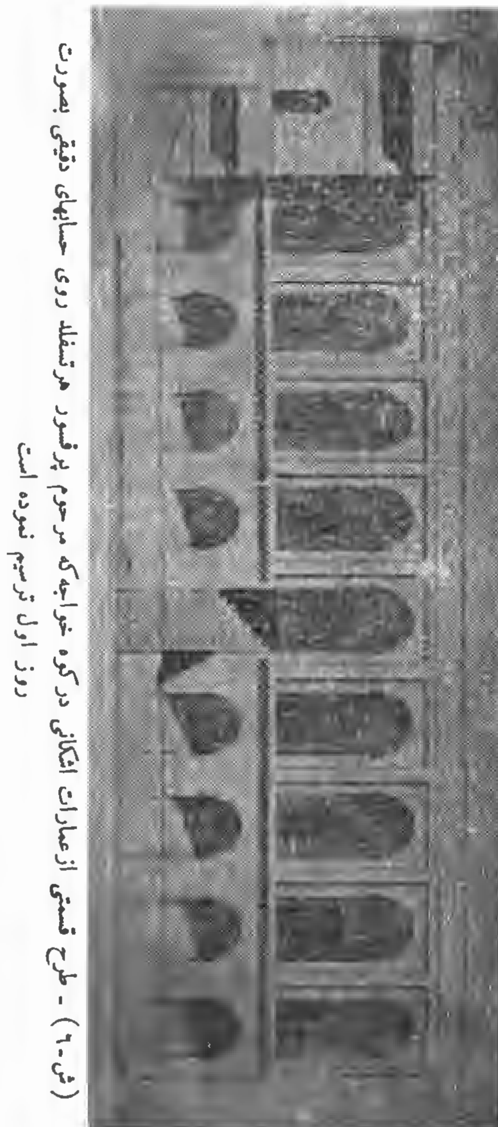
بود ـ مرحوم پرفسور هرتسفلد احتمال میداده است که در دست این دو شخص که



(ش - ٥) - نمای قصور اشکانی درکوه خواجه مطابق روزگار گذشته خود که بوسیله مرحوم پرفسور هرتسفلد با دقت نظر خاصی تهیه شده است

امروز کوچکترین اثری باقی نمانده تاجی وجود داشته باشد واین نحوه کار تاعصر

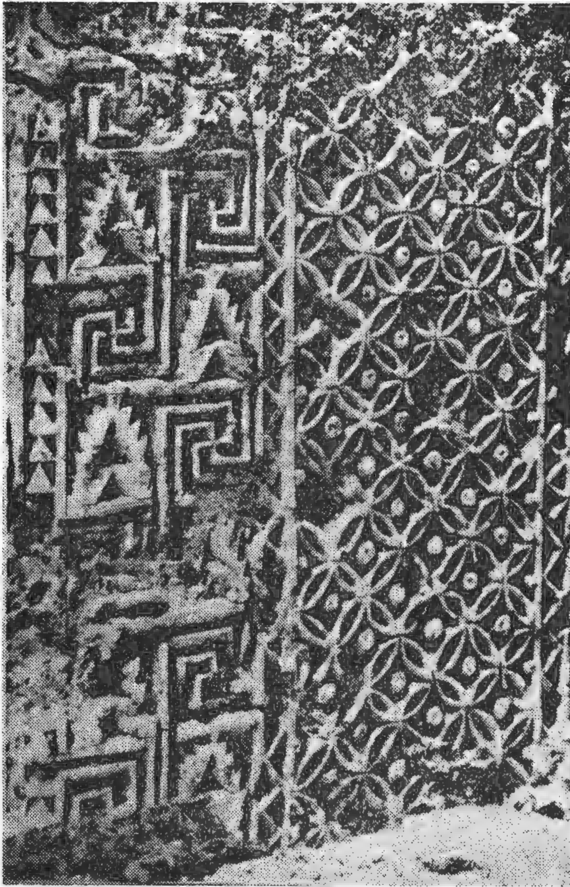
ساسانی معمول بوده است . دانشمند فقید نامبرده در جلوی طاقهای مزبور کاوش



(ش-٦٠) - طرح قسمتی ازعمارات اشکانی درکوه خواجه‌که مرحوم پرفسور هرتسفلد روی حسابهای دقیقی بصورت روز اول ترسیم نموده است

مختصری نموده و برای او یقین حاصل گردیده‌که سابقاً جلوی این عمارت راه پله عریضی برای وصول بحیاط بنا موجود بوده است .

نمونه های گچ بری مرحله اول سکونت درست نظیر آثار اشکانی است که دربابل وشوش بدست آمده است (ش - ۷) با این تفاوت که نقوش کوه خواجه بمراتب ظریفتر و زیاتر از کار نواحی غربی میباشد موضوع جالب توجه این است که روی دیوار های اغلب این ویرانه ها مخصوصاً دهلیزی که ذکر آن گذشت نقاشیهائی روی چهار دیوار وجود داشته که توسط مرحوم پرفسور هرتسفلد بادقت لازم در روی کار جدا شده ولی درمجاورت هوا آثار نقاشی‌ها معدوم گردیده است اهمیت این نقاشیها درآن است که تماماً ارتباط با مرحله اولی ساختمانی کوه خواجه داشته است ودراین مورد مرحوم پرفسور هرتسفلد این نقاشیهارا خالی ازنفوذ تمدن یونان نمیداند .



(ش - ۷) - تزئینات روی‌گچ ونقش صلیب شکسته ازعصراشکانی
کشف شده ازکوه خواجه (سیستان)

مهمترین وجالبترین این صحنه‌های نقاشی تزئینات رنگی درسقف بوده که در هر کدام در میان ترنجی بشکل مربع چهار برگ زیبای خرزهره در قطر های مربع بدور دایره‌ای رنگین نقاشی شده است .

دیگر از صحنه های نقاشی کوه خواجه دو نقش است که یکی تصویر پهلوانی‌را مینمایاند که براسب کهری سوار شده و نیزه قهوای رنگ بدست گرفته

است ولباس سوار برنگ فیروزه‌ای میباشد دیگری نقش سواری‌را دربر دارد که برپشت پلنگی خشمگین با همان حال وهمان رنگ‌ها سوار گردیده است در اطراف این صحنه‌ها تصویرهائی از اشخاص است که برخی درحال نواختن ساز بادی شبیه به نی یا فلوت و یا درحال رقص دیده میشوند (ش ۸ و ۹) نقش شخص دیگری



(ش - ۸) نقش دو شخص از نقاشی های رنگی آثار اشکانی درکوه خواجه
(نقل‌ازکتاب ایران در شرق قدیم - ا. هرتسفلد)

درحال کارهای ورزشی شبیه بالانس وعملیات اکروباسی نیز وجود داشته است که ازنظر نقاشی کمال هنرمندی واستادی‌را درآنها بکار برده‌اند .

همچنین نقش پادشاه وملکه درحالیکه زیر چتری شاهانه ایستاده‌اند وجود داشته پادشاه درسمت راست ملکه قرار گرفته صورت ها نیم رخ و رنگهائی که در لباس بکار رفته بیشتر ازغوانی سیاه و بنفش و قرمز است جبه شاهانه بخصوص برنگ نارنجی است این مطلب‌را نیزباید دانست که لباس ها عموماً منقوش بجواهرات نفیس میباشد این نقش‌از هرجهت با بعضی ازنقوش سکه های دوره‌هخامنشی قابل مقایسه است در دیوار پنجره دهلیز مزبور شکل سه رب‌النوع که بطور ساده ای

ایستاده‌اند نقش شده است که تزئینات لباسهای آنان درخور توجه کامل میباشد این رب‌النوع ها تاجی ازگل بر سر دارند .

آخرین محل کوه خواجه که در آن کاوش عمیقی شده است آتشکده این قصور است با در نظر گرفتن اولین کاوشی که درآتشکده پازارگاد بسال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) بعمل آمده این دومین آتشگاه‌است که متعاقب آن بسال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) در آن حفاری علمی شده است .

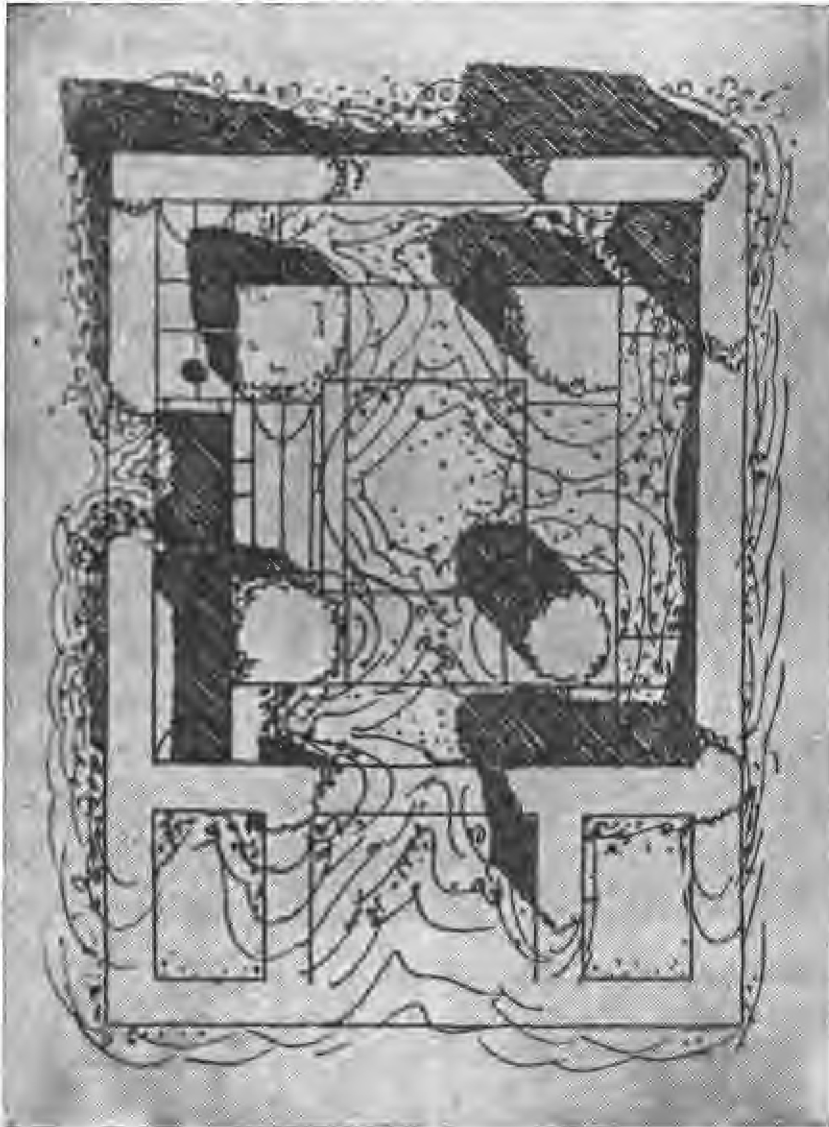


(ش - ۹) - نقش یک مرد از دوره اشکانی که از روی نقوش رنگی ویرانه های اشکانی درکوه خواجه تهیه شده است (نقل ازکتاب ایران در شرق قدیم ا . هرتسفلد)

آتشکده کوه خواجه مطابق معمول از یک چهار طاقی که روی آن گنبدی زده بودند (ش۱۰) تشکیل یافته است موضوعی که کمال اهمیت‌را دراین کاوش‌دارد و پیدایش سنگ آتشدان است (ش۱۱) که ازاین‌حیث مشابه سنگ آتشگاه آپادانای شوش میباشد که توسط دمرگان رئیس هیئت علمی حفاری فرانسه پدیدار شده وهم امروز این‌آتشدان که دمرگان آنرا هم‌زمان هخامنشیان میداند(۱) دربقعه

(۱) Memoires - Recherches Archéologiques

حضرت دانیال نبی درشوش نگهداری میشود وزنان نازای عشایر حدود خوزستان ومردم دیگرآنجا که ازاین سنگ مراد جسته مخصوصاً فرزند آوردن ازآن میطلبند.



(ش - ۱۰) نقشه آتشگاه کوه خواجه که توسط دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد در سال ۱۹۲۸ در آن حفاری شده است

بطور کلی مرحوم پرفسور هرتسفلد که کاوشهای صحیحی در کوه خواجه نموده برآنستکه آثار اولیه این کوه ارتباط باقوم سکادارد که از ۱۱۰ ق.م بدین نقطه مهاجرت کرده‌اند(۱) غیر از آنچه گذشت در روی کوه خواجـه بیش از یکصد گور سنگی بزرگ وجود دارد که ظاهراً مربوط و متعلق بدوره اسلامی است بسیاری از این گور هـارا بهـم زده و نبش نموده اند . دو زیـارتگاه که ساختمان های ایوان‌دار گلی ساده‌ای بیش نیستند درسطح کوه دیده میشود یکی‌ازآنهارا بنام پیر گندم بریان میخوانند زیرا جزء نذر و نیازهائی که دربقعه این پیر میشود بیشتر گندم بریـان تقسیم میگردد و دیگری زیـارتگاه خواجـه غلطان است این دو زیارتگاه مورد احترام مردم سیستان و بلوچ ها وصیادان اطراف‌دریاچه هامون است ومعمولاً در هفته اول فروردین ماه دسته دسته زوار بزیـارت این محل میایند و بقربانی گوسفند و گاو میپردازند و بابستن پارچه و رنگ و موی‌سر (زنها) و منگوله های رنگین دراین محل دخیل بسته توسل میجویند آنچه حالا بنظر مناسب میرسید بشرح بالا ذکرشد و همانطور که اشاره نمود کوه خواجه محل مهمی برای مطالعات‌وتحقیقات کافی بیشتری است که امید میرود اداره کل بـاستان شناسی بتواند در آینده این آرزورا بنحو احسن عملی سازد .



(ش - ۱۱) - آتشدان سنگی کشف شده ازآتشکده‌کوه خواجه در حفاری علمی دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد

(۱) صفحه ۳۰۲ (Iran in the Ancient East London 1941)